دستگیری سارقان پیچ‌های چراغ‌برق بزرگراه آزادگان

پس از سقوط تیرهای چراغ برق بزرگراه آزادگان، دو معتاد متجاهر که برای تامین هزینه مصرف موادمخدر، پیچ‌ها را سرقت کرده بودند، دستگیر شدند.
به گزارش جام جم، سردار علیرضا لطفی در توضیح خبر گفت: در پی سقوط تعدادی از تیرهای چراغ برق بزرگراه آزادگان بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان پایگاه دهم پلیس آگاهی قرار گرفت و در بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد که این حادثه در پی بازشدن و سرقت پیچ‌های چراغ‌برق توسط فرد یا افرادی انجام شده است. کارآگاهان پایگاه دهم موفق به شناسایی و دستگیری دو متهم در محدوده جنوب تهران شدند که در بازرسی بدنی از آنان تعدادی از پیچ‌های سرقت‌شده چراغ‌برق کشف شد. متهمان که از معتادان متجاهر هستند در بازجویی‌های اولیه اظهار کردند برای تامین هزینه موادمخدر به سرقت تجهیزات شهری ازجمله نرده‌های کنار خیابان و پیچ‌های چراغ‌برق اقدام کرده‌اند.



پسر ۴/۵ ساله ناپدید‌شده در ورامین در بهزیستی پیدا شد

فریب علی‌اصغر کوچولو برای تکدیگری

گروه حوادث

پسر کوچولوی ۴/۵ ساله ورامینی که چهارشنبه هفته گذشته همراه با یک دختربچه ۱۱ ساله ناپدید شده بود، سرانجام روز جمعه پیدا شد. مسؤولان بهزیستی با مشاهده تصویر منتشرشده پسربچه در شبکه‌های مجازی، او را در حالی که در منطقه خاوران و نبرد تهران در حال تکدیگری بود، پیدا کردند.
از چهارشنبه هفته پیش که علی‌اصغر، پسربچه ۴/۵ ساله ورامینی ناپدید شد، یک آب خوش از گلوی خانواده پایین نرفت. مادر خودش را مقصر می‌دانست و شماتت می‌کرد، پدر هم به‌شدت بی‌تاب بود و دربه‌در دنبال فرزندش می‌گشت. اولین کاری که پدر انجام داد، انتشار وسیع عکس پسرش در شبکه‌های مجازی بود که کارساز بود و سرانجام علی‌اصغر صحیح و سالم پیدا شد.

ناپدید شدن مشکوک

رضا صالحی، پدر علی‌اصغر در مورد ناپدید و پیدا شدن پسرش به خبرنگار جام جم می‌گوید: «ما در ورامین زندگی می‌کنیم. پسرم روز چهارشنبه همراه با دختر ۱۱ ساله همسایه که من هیچ شناختی از آنها ندارم و خانه‌شان چند خانه با ما فاصله دارد ناپدید شد. آن روز من در محل کارم در قالیشویی بودم و همسرم در خانه بود. همسرم مشغول لباس شستن بود که دختر همسایه ساعت ۲ بعدازظهر دنبال پسرم آمد و او را برای بازی‌کردن با خودش برد. مدتی که گذشت، پسرم به خانه برنگشت. همسرم که مشکوک شده بود، دنبال پسرم گشت اما هیچ رد و نشانی از او پیدا نکرد. ساعت ۸ شب بود که همسرم موضوع را تازه به من اطلاع داد. به‌شدت نگران بودم و می‌ترسیدم بلایی سر پسرم بیاید. برای همین عکس او را همراه با عکس دختر ۱۱ ساله در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردم و همزمان دنبال او هم می‌گشتم.»
هر ساعتی که می‌گذشت، دلهره این‌که چه بلایی ممکن است سر علی‌اصغر بیاید، پدر و مادر را زجر می‌داد. دست هیچ‌کدام به جایی بند نبود. پدر سراغ خانواده دختر ناپدیدشده رفت و آنها هم اظهار بی‌اطلاعی کردند و گفتند خبر ندارند دخترشان کجا رفته است. در این میان، پدر به آگاهی رفت و از ناپدیدشدن پسرش خبر داد. پس از شکایت، هرجایی که احتمال می‌دادند علی‌اصغر را برده باشند گشتند. از بهزیستی و رامین تا پزشکی قانونی و هرجایی که به فکرشان می‌رسید سر زدند اما علی‌اصغر انگار آب شده و به زمین فرورفته بود.
سه روز پس از ناپدیدشدن علی‌اصغر، گوشی تلفن‌همراه پدر زنگ خورد. با هر کلمه‌ای که از دهان فرد مقابل خارج می‌شد، گل از گل پدر می‌شکفت. علی‌اصغر پیدا شده بود.





علی اصغر قبل و بعد از ناپدید شدن

پدر ادامه می‌دهد: «یکی از افرادی که در بهزیستی شرق تهران بود با من تماس گرفت و گفت عکس پسرتان را دیده‌ام و او حالا در بهزیستی است. باورم نمی‌شد. به ما گفت ماموران کلانتری پسرم را در حالی که در منطقه نبرد و خاوران تهران مشغول تکدیگری بود، پیدا کرده و او را به بهزیستی برده بودند.
روز شنبه هم به بهزیستی رفتم اما پسرم را تحویل ندادند و گفتند باید مراحل قانونی‌اش طی شود. قرار است از بهزیستی برای بازدید به خانه ما بیایند. من چون خیلی بی‌تاب پسرم بودم، اجازه دادند یکی دو دقیقه او را از نزدیک ببینم. با این‌که نتوانستم پسرم را به خانه ببرم اما خوشحالم که صحیح و سالم پیدا شده است. آن دختر هم ظاهرا در بهزیستی است. من شناختی از خانواده او ندارم اما تا جایی که می‌دانم، پدرش معتاد است. حتی پدر و مادرش هم دنبال دخترشان نیامدند. فقط یکی از اقوام‌شان با من تماس گرفت و گفت اوضاع چطور است که گفتم پسرم را پیدا کرده‌ام. آن‌طور که من شنیده‌ام، این دختر سابقه ناپدیدشدن هم داشته است و اولین باری نیست که چنین اتفاقی می‌افتد.»

پسر ۴/۵ ساله ۳ روز پس از ناپدید شدن در ورامین در یکی از مراکز بهزیستی در شرق تهران پیدا شد

رسیدگی به ماجرای آزار دختر ایرانی در ارمنستان

دختر جوان که مدعی است در سفر به ارمنستان مورد آزار واذیت مرد ایرانی قرارگرفته در جلسه رسیدگی به این پرونده درخواست اعدام متهم را مطرح کرد. متهم نیز با انکار این شکایت، ادعا کرد شاکی قصد تلکه‌کردن او را دارد.
به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از حدود یک سال قبل و با شکایت دختر جوانی در دادگاه کیفری یک استان تهران آغاز شد. این دختر در شکایت خود گفت: چندی قبل با یک تاجر ایرانی مقیم ارمنستان آشنا شدم و رابطه عاطفی میان ما برقرار شد. به دعوت او راهی ارمنستان شدم اما مشکلی برای سینا پیش آمد و مجبور شد به ایران برگردد. او نتوانست برای من بلیتی تهیه کند و به همین دلیل قرار شد چند روزی نزد دوستش سهراب باشم تا برایم بلیت بگیرد و برگردم اما سهراب از اعتماد من سوءاستفاده کرد و مرا مورد آزارواذیت قرار داد. حالا که به ایران آمده‌ام از سهراب شکایت دارم.
پس از این شکایت دخترجوان به پزشکی قانونی معرفی و پرونده هم برای رسیدگی به شعبه نهم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد.
با ارسال گزارش پزشکی قانونی و شناسایی سهراب در تهران، جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شد. در این جلسه دختر جوان به نام سارا در شکایت خود گفت: سینا وقتی مجبور به بازگشت به ایران شد، مرا به دوستش سهراب سپرد و گفت برایم خانه‌ای بگیرد. سهراب مدعی شد خانه‌ای دارد که می‌توانم چند روزی در آنجا باشم و خودش به خانه دوستش می‌رود تا من بلیت تهیه‌کنم و برگردم. من هم قبول کردم و اجاره خانه را هم به او دادم اما او نیمه‌شب با استفاده از کلید یدک وارد خانه شد و به‌زور مرا مورد آزارواذیت قرار داد و کتک زد. صبح وقتی از خانه بیرون رفت، نزد پزشک رفتم و شکایتی نزد پلیس آن کشور مطرح کردم اما شکایتم رسیدگی نشد و مجبور شدم به ایران بیایم و اینجا شکایت کنم.
سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و با رد شکایت این دختر گفت: سارا در ارمنستان هم از من شکایت کرد اما در آنجا ادعایش ثابت نشد و حتی به دکتر نیز مراجعه کرد اما دکتر در گواهی خود آزارواذیت او را رد کرد و در آنجا تبرئه شدم اما این دختر دست‌بردار نیست و قصد تلکه‌کردن مرا دارد. شب حادثه من خانه دوستم بودم که سارا به من زنگ زد و گفت حوصله‌اش سر رفته و خواست به آنجا بروم. من هیچ کاری به او نداشتم و نمی‌دانم چرا شکایت تجاوز را مطرح کرده است.
سپس قضات خطاب به سارا گفتند: پزشکی قانونی در ایران اعلام کرده شما سالم هستید و آسیبی به بدن شما وارد نشده؛ چرا چنین ادعایی را مطرح می‌کنید؟ سارا در پاسخ گفت من نظریه قبلی پزشکی‌قانونی را قبول ندارم. مرا به‌صورت دقیق معاینه نکرده‌اند اما در نظریه جدید آثار جراحت‌های شدید روی بدن من دیده‌شده که این جراحت‌ها کار سهراب است و من برای او درخواست اعدام دارم.
سپس وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از او گفت: چطور ممکن است پزشکی‌قانونی در گزارش اولیه خود متوجه جراحت‌های شاکی نشده و در نتیجه معاینات دوم به این قضیه پی برده است؟ شاید سارا در فاصله زمانی دو نظریه پزشکی‌قانونی تصادف‌کرده یا حادثه دیگری برای او رخ داده باشد. این صدمات به موکل من مربوط نیست. با توجه به انکارهای موکلم و نظریه پزشکی‌قانونی، درخواست تبرئه موکلم را دارم.
پس از دفاعیات متهم وکیل مدافعش قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

قتل مرد میانجی با چاقو

درگیری بر سر جای پارک در شرق تهران رنگ خون گرفت و مرد میانجی با ضربه‌های چاقو کشته شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۹ پنجشنبه بیست‌وهشتم بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری تهرانپارس در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان درگیری مرگباری در یکی از محله‌های شرق تهران قرار داد. ماموران از اهالی تحقیق کردند که پی بردند عاملان این جنایت مرد جوان پرایدسوار و دیگر سرنشین آن بوده که در همین محله مستاجر و مقتول هم مهمان یکی از همسایه‌ها بوده که برای میانجیگری و پایان‌دادن به یک دعوا قربانی شد.
یکی از شاهدان درگیری گفت: مرد جوان مهمان خانه‌مان بود. در خانه بودیم که صدای داد‌وفریاد و کمک‌خواهی شنیدیم. از خانه بیرون زده و به کوچه آمدیم. راننده خاوری در کوچه پارک کرده و با کارگران مشغول جابه‌جایی اثاثیه بودند. دو سرنشین یک خودروی پراید به دلیل جای پارک با راننده خاور و کارگرهایش درگیر شده بودند. مهمان ما جلوتر رفت تا با میانجیگری آنها را آرام کند که یکی از آنها با چاقو ضربه‌هایی به او زد. مهمان ما غرق در خون روی زمین افتاد و دو مرد پرایدسوار فرار کردند.
تحقیقات برای دستگیری متهمان ادامه دارد.

معمای مرگ مشکوک پیرمرد و برداشت ۱۵۰ میلیونی از حسابش



مرد میانسال که از پیرمرد تنهایی نگهداری می‌کرد، بعد از مرگ مشکوک او به اتهام قتل بازداشت شد. انتقال ۱۵۰ میلیون تومان از حساب پیرمرد به حساب این مرد، شک ماموران را بیشتر کرد.
به گزارش خبرنگارجام جم، شامگاه پنجشنبه بیست وهشتم بهمن امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک مرد ۸۴ ساله همسایه‌شان درمحله ولنجک تهران خبر داد. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به آنجا اعزام و متوجه به‌هم ریختگی شدند.
با هماهنگی قضایی، پرستار این پیرمرد که جسد را پیدا کرده بود به عنوان مظنون دستگیر شد.
او در تحقیقات گفت: از طریق یکی از دوستانم که مدتی به عنوان پرستار از پزشک سالخورده نگهداری می‌کرد با او آشنا شدم. دختر این پیرمرد مقیم آمریکا بود. با سفر دوستم به شهرستان، من مراقبت از او را آغاز کردم. عصر دیروز به اتاقش رفت و خوابید. بعد از ساعتی سراغش رفتم که متوجه شدم نفس نمی‌کشد با اورژانس تماس گرفتم. امدادگران بعد از حضور در محل، مرگ او را تایید کردند.
در ادامه تحقیقات مشخص شد، چند روز قبل از مرگ این پیرمرد، ۱۵۰ میلیون تومان از حسابش برداشت شده و به حساب پرستار واریز شده بود.
تنها مظنون پرونده در این باره گفت: دختر پیرمرد به خاطر زحماتی که برای پدرش می‌کشیدم، این پول را به من داد.
با دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران، مظنون پرونده همچنان در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او در حالی ادامه دارد که قرار شد دختر مرد فوت شده برای تحقیقات به پلیس آگاهی تهران احضار شود تا با تحقیق از وی معلوم شود او اجازه داده تا ۱۵۰ میلیون تومان پول از حساب پدرش به حساب پرستار واریز شود یا نه؟ همچنین پزشکی قانونی علت مرگ پیرمرد را مشخص کند.

ربودن ماهور از آغوش مادرش

دو زن بعد از تعارف چای مسموم به زنی، او را بیهوش و پسر هشت‌ماهه‌اش را ربوده و متواری شدند.
به گزارش خبرنگار جام جم، نوزدهم آذر امسال زنی ۴۰ ساله به شعبه یازدهم پلیس آگاهی تهران رفت و باشکایت از دو زن گفت: عصر روز گذشته با پسر هشت‌ماهه‌ام برای خرید از خانه بیرون رفتم. در میانه راه خسته شدم و روی پله نشستم.
دو زن به بهانه پرسیدن نشانی خانه‌ای سمتم آمدند. خانه فامیل‌شان را گم کرده و از من کمک خواستند. من هم نشانی را گفتم. بعد محل بازار را پرسیدند تا از آنجا خرید کنند. برای نشان دادن مسیر با آنها همراه شدم تا راه را گم نکنند. وقتی به نزدیکی بازار رسیدیم گفتند، خسته‌اند و از فلاسکی که همراه داشتند، مشغول نوشیدن چای شدند. یک لیوان چای هم به من تعارف کردند که بعد از نوشیدن آن بیهوش شدم. وقتی به خودم آمدم فهمیدم مردم مرا بیهوش یافته و با کمک اورژانس به بیمارستان رسانده‌اند. آن دو زن پسرم ماهور را ربوده و ناپدید شده‌بودند.
بعد از این شکایت، ماموران فیلم دوربین‌های محل ربایش کودک را بازبینی کردند و معلوم شد گفته‌های شاکی درست است. احتمال می‌رفت دو زن نوزاد را هدفشان اخاذی باشد اما هیچ تماسی با این خانواده نگرفتند. احتمال می‌رود آنها نوزاد را به خانواده‌ای فروخته‌باشند، با گذشت دو ماه و پیدا نشدن نوزاد، با درخواست قضایی بازپرس شعبه هشتم بازپرسی دادسرای شهرری، تصویرکودک ربوده شده در روزنامه چاپ می‌شود تا چنانچه مردم از سرنوشت او اطلاع دارند، به دادسرا یا اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران اطلاع دهند.



پرداخت بیش از ۸۰۰۰ میلیارد تومان به سازندگان در طرح نهضت ملی مسکن

در طرح نهضت ملی مسکن ۶۷۴۳ میلیارد تومان از محل آورده متقاضیان و ۱۳۱۰ میلیارد تومان از محل تسهیلات به حساب سازندگان پرداخت شد.
به گزارش هیبنا و به نقل از وزارت راه و شهرسازی، محمود شایان مدیرعامل بانک مسکن در خصوص تازه‌ترین وضعیت افتتاح حساب و واریز وجوه متقاضیان طرح نهضت ملی مسکن در آن بانک و پرداخت تسهیلات به سازندگان اظهار کرد: تاکنون حدود ۲۹۳ هزار نفر در بانک مسکن برای طرح نهضت ملی مسکن حساب افتتاح کردند که از این میزان حدود ۱۹۴ هزار نفر آورده خود را به حساب طرح نهضت ملی مسکن واریز کردند.
شایان جمع آورده تاکنون متقاضیان طرح نهضت ملی مسکن را ۱۲ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان برشمرد و افزود: از جمع آورده متقاضیان تاکنون ۶۷۴۳ میلیارد تومان به حساب سازندگان واریز شده و ۵۶۲۷ میلیارد تومان نیز نزد بانک است تا به تدریج به سازندگان بنا بر پیشرفت پروژه پرداخت شود.
وی ادامه داد: از محل تسهیلات نیز تاکنون ۱۳۱۰ میلیارد تومان به حساب سازندگان پرداخت شده است.

تلنگر

درگیری مرگبار ۲ پسر نوجوان بر سر یک دختر

درگیری دو پسر نوجوان بر سر یک دختر با قتل یکی از آنها پایان گرفت.
به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه جمعه ۲۹ دی امسال یکی از ماموران کلانتری نازی‌آباد با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان درگیری مرگبار دو نوجوان قرار داد. با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات را آغاز کرده که معلوم شد این دعوا در خیابان رخ داده بود. ماموران به تحقیق از دوست مقتول که شاهد جنایت بود، پرداختند که وی گفت: دوستم و ضارب از مدت‌ها قبل با هم اختلاف داشتند. دیشب من و دوستم در مسیر بازگشت به خانه بودیم که با قاتل و دوستش روبه‌رو شدیم. آنها با دیدن ما شروع به کل‌کل کرده و می‌گفتند نباید از محله آنها عبور کنیم. با ما درگیر شدند و دعوا بالا گرفت. یکی از آنها دوستم را با چاقو زد و بعد دو نفری فرار کردند.
ماموران در تعقیب متهم به قتل بودند تا این‌که او و همدستش که نوجوان بودند ساعاتی بعد شناسایی و بازداشت شدند. متهم نوجوان ابتدا منکر جرایمش شد اما وقتی فهمید پسر ۱۷ ساله فوت‌شده سکوت خود را شکست و به قتل او اعتراف کرد و گفت: من و مقتول پیش از این عاشق یک دختر و رقیب‌عشقی هم بودیم که او توانست آن دختر را به‌دست آورد. از او کینه داشتم تا اینکه شب حادثه او را دیدم و با هم درگیر شدیم. او را با ضربه‌های چاقو زدم تا بترسد اما باعث مرگش شدم.

دلیل تیراندازی هوایی رئیس پلیس اماکن غرب استان تهران

فرمانده انتظامی غرب استان تهران درباره کلیپ تیراندازی یکی از فرماندهان پلیس اماکن توضیحاتی را ارائه کرد.
سردار کیوان ظهیری در تشریح جزئیات کلیپ منتشرشده در فضای مجازی به جامعه ۲۴ گفت: براساس گزارش و شکایات مردمی مبنی‌بر سد معبر گسترده یک واحد صنفی میوه و سبزیجات در شهرک شاهد شهریار، ماموران اداره نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت عمومی غرب استان تهران برای بررسی موضوع و تذکر به واحد صنفی در محل حاضر شدند.
وی افزود: متاسفانه مالک واحد صنفی مزبور که سلاح سرد در اختیار داشت در مقابل تذکرات همکاران انتظامی مقاومت و شروع به توهین و فحاشی می‌کند که در نهایت با همکاری فرزند و دوستان خود پا به فرار می‌گذارد که در همین حین یکی از افرادی که در فرار متهم نقش بسزایی داشت توسط ماموران حاضر دستگیر می‌شود. این مقام ارشد انتظامی در ادامه سخنان خود اظهار کرد: براساس اظهارات شهروندان ساکن در منطقه، فرد دستگیرشده در مقابل تذکر شهروندان مبنی بر رفع سد معبر مقاومت کرده و اقدام به قدرت‌نمایی، ترویج خشونت، ایجاد رعب و وحشت و درگیری با اهالی محل می‌کرده که پلیس بلافاصله پس از دستگیری، متهم را با تشکیل پرونده تحویل مرجع قضایی داد. سردار ظهیری اذعان کرد: برابر دستور مقام قضایی، متهم فراری تحت تعقیب قضایی قرار گرفت.